



نگاهی به دین
زرتشتی

نوروز ۳۷۴۶ یکتایی، ۱۳۸۷ خورشیدی خجسته باد

به خشنودی اهورامزدا



گزیده ای از پیام اشوزرتشت

خوشبختی از آن کسی است که در پی خوشبختی دیگران باشد

یسنا ۴۳ بند ۱

از کسانی باشیم که جهان را به سوی تازگی و آبادانی و مردم را
به سوی راستی و پارسایی راهنمایی می کنند

یسنا ۳۰ بند ۹

بهترین گفته ها را به گوش بشنوید، با اندیشه ای روشن بر آن
بنگرید سپس هر زن و مرد آزادانه راه خود را برگزینید

یسنا ۳۰ بند ۲

نگاهی گذرا بر فرازهای دین زرتشتی

❖ دین اشوزرتشت :

اشوزرتشت پیام آور آیین راستی و خرد، ۱۷۶۸ سال پیش از میلاد، به روز ششم فروردین در سرزمین ایران زاده شد. کتاب اوستا، زادگاه پیامبر را «رِگَه» محلی در کنار رودخانه «دُرْجی» و در نزدیکی «دریاچه چیچست» گزارش کرده است. پدر اشوزرتشت پوروشسب، مادرش دُغدو و همسر وی هَووی نام داشت، فرزندان اشو زرتشت سه پسر به نام‌های ایسدواستر، اروتدندر و خورشید چهر و سه دختر بنام‌های تریتی، فرینی و پورچیستا بودند. اشوزرتشت، در نوجوانی باورهای خرافی مردم و پرستش خدایان پنداری را نادرست تشخیص داد. آن‌گاه در ۲۰ سالگی، تنهایی را برگزید و به طبیعت روی کرد و پروردگار خود را با دیده دل شناخت. وی در ۳۰ سالگی از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شد و برای نخستین بار، آیین یکتاپرستی را به جهانیان سفارش کرد.

در اندیشه و پیام اشوزرتشت خداوند هستی بخش، **اهورامزدا** نام دارد. اهورا یعنی «هستی بخش»، مَز یعنی «بزرگ» و دا از «دانش و دانایی» آمده است. از این دیدگاه خداوند دانای بزرگ است. پس انسان را بنده و برده خویش نمی‌داند بلکه با خرد(منه) و وجدانی (دائنه) که به انسان بخشیده، جایگاه ارزشمند انسانی و دانایی را به او پیشنهاد کرده است. از دیدگاه اشوزرتشت، خداوند کینه توز انتقام جو، خصمناک و مجازات گر نیست، بلکه سراسر نیکی و داد است.

❖ «گاتاها» کتاب آسمانی زرتشتیان

گاتاها کتاب آسمانی ودینی زرتشتیان می باشد که توسط اشوزرتشت به نگارش درآمده و دردل یسنا جای گرفته است. پنج بخش دیگر اوستا شامل «یسنا» «یشتها»، «وندیداد»، «ویسپرد» و «خرده اوستا» توسط انجمن مغان و موبدان بزرگ در درازای تاریخ نوشته شده و کتابهای مذهبی زرتشتیان بوده و بسیار گرامی می باشند.

پیام اشوزرتشت

اشوزرتشت در رسانیدن پیام اشا به مردم، به هیچ معجزه‌ای نیاز نداشته است او نه با معجزه، بلکه با زبان خرد و منطق با مردم سخن گفته است. اشوزرتشت، پیام اهورامزدا را به شیوایی و رسایی در سروده‌های خویش آورده است. گاتها، که نخستین سرودهای شعر گونه جهان است، از روش درست زیستن و رستگار شدن سخن می گوید. گاتها، اندیشه ورز، خردگرا و وجدان پرور است و برای همه انسان‌ها در هر زمان و مکان ساده‌ترین و بهترین الگوی رفتاری را به گونه منطقی، به دور از هر گونه پندارهای خرافی و نادرست بیان کرده است.

گاتها یعنی «سروده‌های پاک» را مردمی که پیام اشوزرتشت را به کار بسته اند، بر پایه ایمان و درک خود بر آن گذاشته‌اند. گاتها در بیان اشوزرتشت، مانتره نامیده شده که «کلام اندیشه برانگیز، اهورایی و مقدس» معنا میدهد.

از دیدگاه گاتها، زندگی مادی انسان باید با طبیعت وقوانین حاکم بر آن که اشا نامیده شده، سازگار و هماهنگ باشد و درنگرش مینوی، انسان باید به یاری وهومن دریچه دل خود رابسوی راز هستی بگشاید تا روشنایی حقیقی را مشاهده کند.

سخن گاتها تنها برای دانایان قابل درک است، زیرا نادان و جاهل، بر پایه احساسات تند و بی منطق خود حرکت می کند و گوش شنوایی برای پیام اهورایی ندارد. هنگامی که دانا اندیشه راستی جویی را می آموزد، باید دانش و بینش خود را به دیگران، به ویژه به افراد ناآگاه برساند، تا پندار بافی و خرافات از جامعه انسانی رخت بریندد.

❖ اصول دین زرتشتی

دین زرتشتی دارای ۹ اصل کلی به ترتیب زیر می باشد :

۱. باوربه اهورامزدا، خدای یکتا و بی همتا
 ۲. باوربه پیامبری اشوزرتشت
 ۳. باوربه بقای روح و جهان مینوی
 ۴. باوربه قانون اشا (راستی و پاکی و عشق اهورایی).
 ۵. باوربه برابری انسان ها
 ۶. باوربه امشاسپندان وهفت پایه عرفان زرتشتی
 ۷. باوربه داد و دهش ودستگیری ازنیازمندان
 ۸. باوربه سپننه (مقدس) بودن چهار آخشیج « آب و باد و خاک و آتش» وپاک نگهداشتن محیط زیست.
 ۹. باوربه فرشکرد(نوآوری)
- بدیهی است که سایر دستورات مذهبی باید همواره در این چهارچوب عمل کرده ونبایستی مخالف این اصول باشد.

❖ قانون اشا (راستی)

نگرش اشو زرتشت به جهان هستی، پیروی و پیوستن به قانون اشا (راستی به تمام معنی) میباشد. از دیدگاه او خداوند

جان و خرد، جهان را بر پایه هنجاری آفریده که بر تمام هستی حکم فرماست. پیامبرایرانی این هنجار دقیق و نظم حساب شده را **اشا** می نامد. استواری قانون اشا بر جهان هستی، بازتاب اراده و خواست پروردگار بزرگ است. قانون اشا، نیروی هماهنگ کننده جهان هستی است و همه پدیده ها از اتم تا کهکشان ها بر پایه این هنجار استوار می باشند. در باور زرتشتی، انسانی به راستی پیروز است که خود را با هنجار هستی، همگام و همراه سازد. و راستی و پاکی و درستی، مهر و فروتنی و دیگر فروزه‌های نیک انسانی را در خود پرورش دهد.

❖ دو گوهر همزاد

اشوزرتشت، در پیام خود به دو گوهر همزاد اما متضاد اشاره دارد که در نظم آفرینش نقش دارند. اثر این دو گوهر، نیرویی است که در کوچکترین ذره‌ها به صورت مثبت و منفی چون پروتون و الکترون وجود دارد و در همه جای هستی و کهکشان، به گونه‌ای کشش و رانش و یاد و گوهر ناهمگون اثر می گذارد. این‌ها هیچ کدام در نظم اشا، بد آفریده نشده‌اند، بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند، از این رو اهورامزدا خالق بدی‌ها و زشتی‌ها نیست. و آنچه بر مبنای اراده اهورایی آفریده شده، همه نیک و خوب هستند. این دو گوهر همزاد و متضاد، به هنگام گزینش و انتخاب در اندیشه انسان است که مفهومی نیک و بد پیدا می کند. انسان دانا که از خرد و دانش بهره‌مند است، «سپینته مینو» یعنی منش سازنده را در اندیشه پدیدار و پویا می نماید و شخص نادان که تنها از احساس و تعصب پیروی می کند، «انگره مینو» یعنی منش ویران کننده و آسیب رسان (که در زبان پارسی اهریمن نامیده شده است) در ذهنش به

وجود می‌آید. بنابراین آفریننده اهریمن یا اندیشه ویران‌گر، خداوند نیست بلکه انسان نادان است که کژاندیشی را به گفتار دروغ و کردار ناشایست تبدیل می‌کند.

❖ دین :

دین از واژه «دئنه» در اوستا آمده و به معنای وجدان آگاه یعنی نیروی تشخیص خوب از بد و انتخاب نیک بر پایه خرد و با آزادی و اختیار کامل است. در این بینش، انسانی دیندار است که می‌اندیشد و با کمک منش نیک خود آزادانه راه اشا (راستی) را برمی‌گزیند و در راه سپننه من شدن گام برمیدارد. انسان با این نگرش، با آزادی در دو جهان مادی و مینوی مسئول میشود و سرانجام بر اساس اصل کنش و واکنش، پادافره‌گزینش و رفتار خویش را دریافت می‌کند.

❖ بهشت و دوزخ :

اهورامزدا برای همه آفریده‌های خویش، خوشبختی و رستگاری آرزو دارد، از اینرو راه درست زیستن را به کسی که از خرد و وجدان خود بهره می‌گیرد، نشان داده‌است. آنان که کژاندیشی برگزینند و برخلاف قانون اشا گام بردارند، بدگفتاری و زشت‌کرداری بوجود می‌آورند و بر اساس فرایند کنش و واکنش پادافره رفتار خود را دریافت خواهند کرد. از این دیدگاه هرگز پروردگار، جایگاهی به نام جهنم برای شکنجه انسان پدید نیاورده، بلکه این خود انسان است که با کارکردش، بهشت و دوزخ را برای روان خویش پدید می‌آورد.

بهشت (وهیستم منو) یا بهترین مکان مینوی، رسیدن به شادی و آرامش روان، بازتاب اندیشه، گفتار و کردار نیک انسان

است. دوزخ (اچیشتم منو) یا بدترین جای مینوی، یعنی عذاب وجدان و افسردگی روان، پی آمد کژاندیشی است که در دو جهان مادی و مینوی به سوی انسان بازخواهد گشت.

❖ تازگی و پویایی (فرشکرد):

در آیین اشوزرتشت و در راستای قانون اشانه‌تنها واپس‌گرایی روا نیست، بلکه ایستایی و سکون نیز ناپسند است. «فُرشه» واژه‌ای از پیام اشوزرتشت است که همگان را به‌سوی تازگی و بالندگی سفارش می‌کند. اندیشه و خرد، تن و روان انسان و به‌طور کلی فرهنگ و اخلاق بشر، باید به‌سوی تازگی و پیشرفت حرکت کند، اشوزرتشت در پیام خود از پیروانش می‌خواهد که همواره جهان را نو و زندگانی را تازه گردانند. به باور پیامبر باستانی ایران، انسان باید گام‌هایی هر چند کوچک در راه رسیدن به زندگی بهتر، سازنده تر و کسب آسایش، همراه با آرامش بردارد.

❖ کاروکوشش:

ما خواستاریم از جمله کسانی باشیم که جهان را بسوی آبادانی و پیشرفت رهنمون میشوند (گاتاها)

یکی از کاراترین عوامل آبادانی و پیشرفت، کار و کوشش است که خوشبختی مردم جهان را در پی خواهد داشت. اشوزرتشت در گاتاها از همه خواستار است که در راستای پیروی از قانون اشا و به یاری منش نیک در حد توان خود برای پیشرفت و آسایش جامعه انسانی کوشش کنند. در باور زرتشتی شکوفایی اقتصادی و هنر آفرینی و تلاش در انجام کار نیک، یکی از برترین راه‌های نیایش پروردگار است، به همین روی، دردین زرتشتی

درویشی، ریاضت کشیدن، تنبلی و گدایی از کارهای بسیارناشایست شناخته شده است.

❖ فَرَوَهَر :

در باور سنتی زرتشتیان، وجود انسان از پنج گوهر تشکیل شده که به هم پیوسته‌اند و از تأثیر آن‌ها بر یکدیگر، پویندگی و بالندگی در فرد سرچشمه می‌گیرد. این پنج جزء عبارتند از: **تن و جان** که مربوط به جهان مادی است و **روان**، **قدرت دراکه (خردووجدان) و فروهر** که مربوط به جنبه مینوی سرشت آدمی هستند.

واژه «فَرَوَهَر»، از دو قسمت «فَر» به معنی پیش و «وَهَر» یعنی کشنده و برنده درست شده است. این گوهر، ارزشمندترین پاره وجودی انسان است زیرا پرتویی از فروغ بی‌کران ذات اهورامزدا بوده که در ذات هر شخص موجود و سرچشمه پیدایش و پویایی فروزه‌های اشویی درانسان می‌باشد. فروهر، گوهری است که روان را از گرایش به کژی، کاستی و دروغ باز می‌دارد و به انسان قدرت خلاقیت و باروری می‌دهد، تا روان آدمی به آرامی راه خداجویی را سپری کرده و شایستگی فراگیری نور حقیقت و رسیدن به مقام سپننه منی را داشته باشد.



در دوره هخامنشیان، نگاره‌ای با این نام به عنوان آرم ملی، برگرفته از اندیشه‌های بنیادی دین زرتشتی، رایج گردید که هر یک از اندام‌های این نگاره فروهر، مفهومی در اندیشه نیاکان دارد :

- چهره سالخورده و نورانی فروهر، یادآور بهره‌گیری از تجربه پیران خردمند است.
- دست فروهر رو به سوی بالاوجلو، در حال نیایش اهورامزدا و گرایش به پیشرفت و بالندگی است.
- حلقه دست این نگاره جلوه گاه حلقه مهر و نشان پیمان انسان با خداوند در پیوستن به اشویی است.
- بال فروهر سه قسمت دارد تا فراگیری هومت، هوخت وهورشت یا پندار، گفتار و کردار نیک را به انسان سفارش کند.
- حلقه دور کمر فروهر، نشان جهان بی‌کران و وارستگی انسان از امیال ناهنجار و نیروی پرواز او به سرچشمه نور است.
- دو رشته آویخته در پایین، نشان پیوستن به سپننه مینو (منش پاک) و پشت سر گذاشتن انگره مینو (اندیشه پلید) است.
- قسمت زیر بال فروهر نیز سه قسمتی است تا زیر پا گذاشتن دژومت، دژوخت و دژورشت یا اندیشه و گفتار و کردار بد را یادآوری کند و هر فرد باید بیاموزد که چگونه اندیشه، گفتار و کردار ناپاک را از خود دور سازد.

❖ صلح و دوستی جهانی

«می‌ستاییم دین مزدیسنی را که دورنگه دارنده جنگ افزار و آشتی دهنده است و دین از خود گذشتگی است.» اوستای مزدیسناوهمی.

پیام اشوزرتشت است که انسان باید جهانی (انسانی) بیاندیشد. ملی کاروکوشش کند ودینی زندگی نماید. بنابراین اصل در آیین زرتشتی، جنگ و دشمنی چه درجهت کشورگشایی و چه به نام گسترش دین، ناشایست است و یک زرتشتی باید به جهانی سرشار ازدوستی و مهربانی بیاندیشد.

همه انسان‌ها باید با پیوستن و پایبندی به اشا، مهربانی و یگانگی را گسترش دهند تا دوستی جهانی پدیدار شود. هر زرتشتی به هنگام نیایش روزانه، باورو پیمان خود را درسرود «مزده‌یسنواهمی» به مهر و آشتی در دین مزدایی زرتشتی استوار می‌سازد. او آیینی را پیروی می‌کند که مخالف جنگ و خونریزی و ستایشگر آشتی، ودین از خود گذشتگی و پارسایی است.

❖ خوشبختی و شادمانی

**خوشبختی از آن کسی است که در پی خوشبختی
دیگران باشد (گاتاها)**

واژه جشن از ریشه «یسن» و به مفهوم ستایش خدا می‌باشد. دین زرتشت، آیین شادمانی است. از این رو، پیروان زرتشت شاد بودن و خوش زیستن را برگزیده‌اند و از افسردگی و سوگواری دوری می‌کنند. در این آیین جشن و سرور، یکی از راه‌های نیایش و ستایش خداوند و نزدیک شدن به اوست، به همین انگیزه زرتشتیان، جدای از جشن‌های نوروز، مهرگان و سده، جشن‌های ماهیانه هم دارند و آن روزهایی است که نام روز و ماه برابر می‌شود و جشن‌های گاهانبار که به دادودهش می‌پردازند و بار می‌دهند و داد می‌گسترانند.

پیامبرایرانی، پیروان خود را شادمان و خشنود می‌خواهد زیرا در پرتو این فروزه‌ها، تن انسان نیرومند و روان او شاد

می‌شود، در نتیجه شوق به کار و کوشش در آن فزونی می‌یابد. در بینش اشوزرتشت خوشبختی و آسایش واقعی تنها با کوشش به «نیکی کردن از راه راستی» به دست می‌آید و هرگز انسانی که از راه ناشایست خود را خوشبخت می‌سازد، به خرسندی واقعی دست نخواهد یافت.

❖ حقوق بشر

در آیین زرتشت، انسان‌ها از هر نژاد، ملیت و قوم و با هر زبان و رنگ پوست و هر دین و عقیده از حقوق برابر برخوردارند. برتری طلبی دینی، قومی و نژادی، در این آیین نیست. زرتشت تنها عامل برتری را پایبندی به قانون اشا و پیروی از پندار، گفتار و کردار نیک می‌داند. از دیدگاه اشوزرتشت، خداوند، همه انسان‌ها را از نعمت خرد برخوردار ساخته و وجدان داده و آزاد آفریده است. تا با بهره‌گیری از اندیشه و دانش خویش، دیدگاه و پیشنهاد‌های گوناگون را مورد ارزیابی قرار دهند و با اختیار کامل بهترین راه را در زندگانی برگزینند. چنان‌که انسان‌ها از آزادی اندیشه و بیان برخوردارند، از حق آزادی در انتخاب دین و آیین نیز بهره‌مند هستند. وقتی انسان‌ها از حقوقی مساوی برخوردار باشند، زن و مرد نیز در تمام مراحل مادی و مینوی زندگی حقوقی برابری دارند.

❖ جبر و اختیار

«به سخنان مهین گوش فرادهید. باندیشه روشن در آن بنگرید. هر مرد وزن خود باید راه خویش را برگزیند.» گاتاها. یسنا.

فلسفه دین اشوزرتشت، می‌آموزد که جبرتابعی از قانون اشا می‌باشد و بدون هیچگونه کم و کاستی، از اختیاریا آزادی

گزینش راه جانبداری می کند و از «جبر» سخن نمی گوید. در این نگرش نظریه «گناه آغازین» هم مانند نظریه «جبر» پذیرفته نیست. به این ترتیب، همه بدون گناه و پاک به این دنیا قدم می گذارند و هر کس با انتخاب راه خود، زندگی و آینده خویش را رقم می زند. انسان با هر گونه توانمندی جسمی روحی و خانوادگی پس از زاده شدن میتواند دانش اندوزد و خردمندانه تلاش کند تا همه جبرها را که بر پایه قانون اشا عمل می نمایند، بشناسد و زندگی خود را سامان بخشد تا با رنجها و کاستیها مبارزه نموده، همه نارسایی ها به رسایی تبدیل نماید.

کیش اشوزرتشت، دین آزادگی و آیین داد و امید است. گاتها، انسان را به گزینش منش نیک، رهبر دانا، دوست خردمند و همسر اشو سفارش می کند، اما وادار نمی سازد. دین زرتشت به هر شخص به عنوان فرد آزاده ارج می گذارد و در آن حق آزادی و اختیار یکی از با ارزش ترین داده های اهورایی شناخته می شود که هیچ کس حق گرفتن آن را از دیگری ندارد.

❖ پاسداری از محیط زیست

دراستای قانون اشا، انسان در برابر جهان هستی و آنچه در آن روی می دهد مسئول است و باید از تخریب منابع مادی و معنوی جهان هستی بپرهیزد. یکی از نمودهای اندیشه نیک که در این آیین بر آن بسیار سفارش شده، حفظ محیط زیست است. بر همه زرتشتیان پاسداشت زیستگاه خود و گرمی داشت چهار «آخشیج» پاک کننده که آب، آتش، خاک و هوامی باشد، بایسته است و آلوده کردن و بهره گیری نادرست یا بیهوده از آنها، جزو کارهای ناشایست در باور بهدینان به شمار می آید.

❖ هفت پایه عرفان زرتشتی :

شناخت خداوند، پرورش و پویایی ویژگی‌های اخلاقی و نزدیک شدن به اهورامزدا و سپنته من شدن ، مهمترین هدف سفارش شده اشوزرتشت در زندگی انسان است. این پیام آور ایرانی باور دارد که اگر انسان رفتار خود را به شش فروزه‌ای که از خداوند سرچشمه گرفته هماهنگ سازد، گذری به هفتمین مرحله نیز خواهد داشت و به جایی خواهد رسید که به جز خدا نخواهد دید.

نخستین گام در راه نزدیک شدن به اهورامزدا، «**وُهومن**» یا منش نیک است. این واژه در زبان پارسی به بهمن تبدیل شده است. نیک اندیشی یکی از فروزه‌های ذاتی خداوند است و از داده‌های اهورایی به انسان است و هر آدمی باید در خود پرورش دهد.

گام دوم، گزینش «**اشه و هیشته**» یا بهترین اشویی است که در زبان پارسی به آردیبهشت تبدیل شده است. اشویی در ذات خداوند، راستی و هنجار مطلق و توانایی نظم بخشیدن است. پرورش این فروزه در انسان نیز کوششی برای هماهنگی در رفتار بر پایه اشویی ، یعنی پیوستن به راستی است.

«**خشته و بیریه**» که در زبان فارسی به شهریور تبدیل شده است توانایی مینوی و شهریاری بر خویش معنا می‌دهد. فروزه توانایی در انسان، گزیده‌ای از توانایی ذاتی خداوند به گونه محدود و متناهی است که باید پرورش و افزایش یابد. توانایی گذشت و مهربانی، توانایی کنترل رفتار ناهنجار با هماهنگی بین احساس و خرد، توانایی پیروی از هنجار اشا، توانایی دفاع از حق و مبارزه با دروغ، توانایی رسیدن به آزادی و آزادمنشی و... را شامل می‌شود.

گام چهارم، فروزه مهرورزی است که در گاتها با «سپننه آرمیتی» بیان شده و در فارسی به سپندارمذ یا اسفند تبدیل شده است. در بینش اشوزرتشت رابطه بین انسان و خدا بر مبنای دوستی و محبت است نه از روی ترس و بیداد، بل از روی شناخت و دوستی است، پس بر انسان بایسته است تا فروزه مهرورزی را در خود افزایش دهد. وفای به عهد، خویشتن‌داری، گذشت، فروتنی، بخشندگی و دهشمندی از پرتوهای این فروزه هستند.

فروزه بعدی در پیام اشوزرتشت به صورت «هَه اَوَرَوَات» و در فارسی به گونه خرداد بیان شده است. دانش اندوزی انسان را برای رسیدن به مرحله رسایی و کمال یاری نموده و او را به تدریج به انسان آرمانی نزدیک خواهد کرد. در بینش اشوزرتشت رسایی (خُرداد) با جاودانگی (امرتات یا مُرداد) که ششمین مرحله کمال است، به هم پیوسته هستند. به این معنا که اگر انسان به رسایی برسد، خود به خود به «بی‌مرگی» نیز خواهد رسید. «اَمِرَه تات» که در فارسی به صورت اُمرداد آمده، جاودانگی معنا می‌دهد. بی‌گمان این فروزه از ویژگی ذاتی خداوند است، اما انسان نیز بر پایه نظامی که در آفرینش او پیش بینی و برقرار شده است، به گونه‌ای دیگر می‌تواند به جاودانگی برسد.

هفتمین گام در راه عرفان زرتشتی و شناخت کامل اهورامزدا، رسیدن به مقام انسان کامل یعنی «سپننه من» است که نور حقیقت و ندای اهورایی رادریافته و چون مشعلی فروزان، نهاد و دیده دل عارف را روشن خواهد کرد. فروزه‌هایی چون کاروکوشش و پاکی و راستی، توانایی سازندگی و ابداع و مهرورزی پویا خواهد شد تا رسایی و پابندگی در نهاد او فزونی یابد و به خدا نزدیک شود.

❖ نورپرستش سوی (قبله) زرتشتیان

پیروان آیین اشوزرتشت که خود را مزدیسنی یعنی پرستندگان مزدا (خداوند) نیز می‌گویند، در نیایش‌های خود با تن و روانی پاک، رو به سوی روشنایی، خداوند را سپاس گفته و نیایش می‌کنند. زرتشتیان به گاه نیایش، زندگی سرشار از آسایش و بهروزی را برای همه نیک اندیشان و نیک کرداران جهان آرزو می‌کنند و آتش را در کنار سه عنصر دیگر آب، خاک و هوا گرمی می‌دارند و از آتشکده‌ها به نشانه پرچم مهر و پاکی در محل زندگی خود، پاسداری می‌کنند. آنان به هنگام نیایش از روشنایی آتش نیز همانند نورهای دیگر، به عنوان پرستش سو (قبله) بهره می‌گیرند.

زرتشتیان باوردارند که آتش نماد «اشا» و ازبین برنده ناپاکی‌ها و روشن کننده تاریکی‌ها ست و همواره بسوی بالا می‌رود و خود می‌سوزد و دیگران را نوروگرما و انرژی می‌بخشد و چرخ‌های صنعت و پیشرفت را به چرخش می‌آورد. آتش درونی انسان که اندیشه او را به خرد بی پایان اهورایی پیوند می‌زند، نیز می‌تواند این فروزه‌ها را آموخته و به دیگران بیاموزد. زرتشتیان آتش آدریان و رهرام که از آتش نیاکانی و ۱۶ آتش صنوف گوناگون تهیه شده رابه عنوان نماد یا پرچم هویت دینی خود میدانند و گرمی داشته و به آن افتخار می‌کنند.

آتشکده به مجموعه آدریان و کتابخانه و مدرسه و سالن‌های وابسته به آن گفته می‌شود که آتش عشق و دانش و مهر و خرد و هماهنگی و هم‌آزوری می‌آموزد و اشویی را گسترش می‌دهد.

❖ چکیده تاریخ زرتشتیان

دین زرتشت از زمان کیانیان و هخامنشیان به تدریج در ایران رواج یافت. در حکومت اشکانیان، گسترش پیدا کرد و در دوران ساسانیان دین رسمی ایران بود. با یورش تازیان، برخی از ایرانیان تغییر دین دادند و گروهی از زرتشتیان نیز که تحمل ستم حکومت بیگانه را نداشتند، به سوی کشور هندوستان مهاجرت کردند. آنان با تلاش و پشتکار و صداقت و درستی خود، تولید و سازندگی را گسترش دادند و هم اکنون به نام پارسیان، از شهروندان ارزشمند و خوشنام هندوستان به شمار می آیند.

زرتشتیانی که در زادگاه خود (ایران) باقی ماندند، در نخستین حکومت‌های پس از ساسانیان و تعصب‌های موجود، روزگار سختی داشتند و پس از سال‌ها رنج و دربدری، به شهرهای کویری ایران، چون یزد و کرمان پناه برده، با کندن کاریزها، آب را از دل زمین برآوردند. آنان پیشه سفارش شده پیامبرشان (کشاورزی) را در شهرهای کویری گسترش دادند.

قرن‌ها بعد، در دوره قاجار، «مانکچی لیمجی هاتریا» موفق شد که خدمات بسیاری بنماید و بایاری پارسیان هندوستان جزیه را از دوش به‌دینان بردارد. پس از این که بیداد و تعصب کاهش یافت، زرتشتیان به شهرهای بزرگتر ایران نیز مهاجرت کردند و به یاری پارسیانی همانند روانشاد «مارکار» توانستند با ایجاد مراکز دینی، آموزشی و اجتماعی و تاسیس مراکز فرهنگی و درمانی در یزد و تهران خدمات بسیاری به ایران و ایرانیان بنمایند. هم‌اکنون نیز زرتشتیان در کنار دیگر هم‌میهنان، به همزیستی مسالمت آمیز که بدان باور دارند، ادامه می‌دهند و همواره برای میهن خود (ایران)، آرزوی پابندگی و سرا فرازی کرده، کوشش دارند که درسازندگی و پویایی کشور اهورایی ایران، نقش مهمی ایفا نمایند.

چکیده پیام اشوزرتشت اینست که زرتشتی باید جهانی فکر کند. میهنی کاروکوشش نماید وزرتشتی زندگی نماید. امیداست که همه زرتشتیان بتوانند دراین راه اهورایی به مقامی برسند که بتوانند درپی نیک منشی وگسترش راستی درجهان پیشی گیرند.

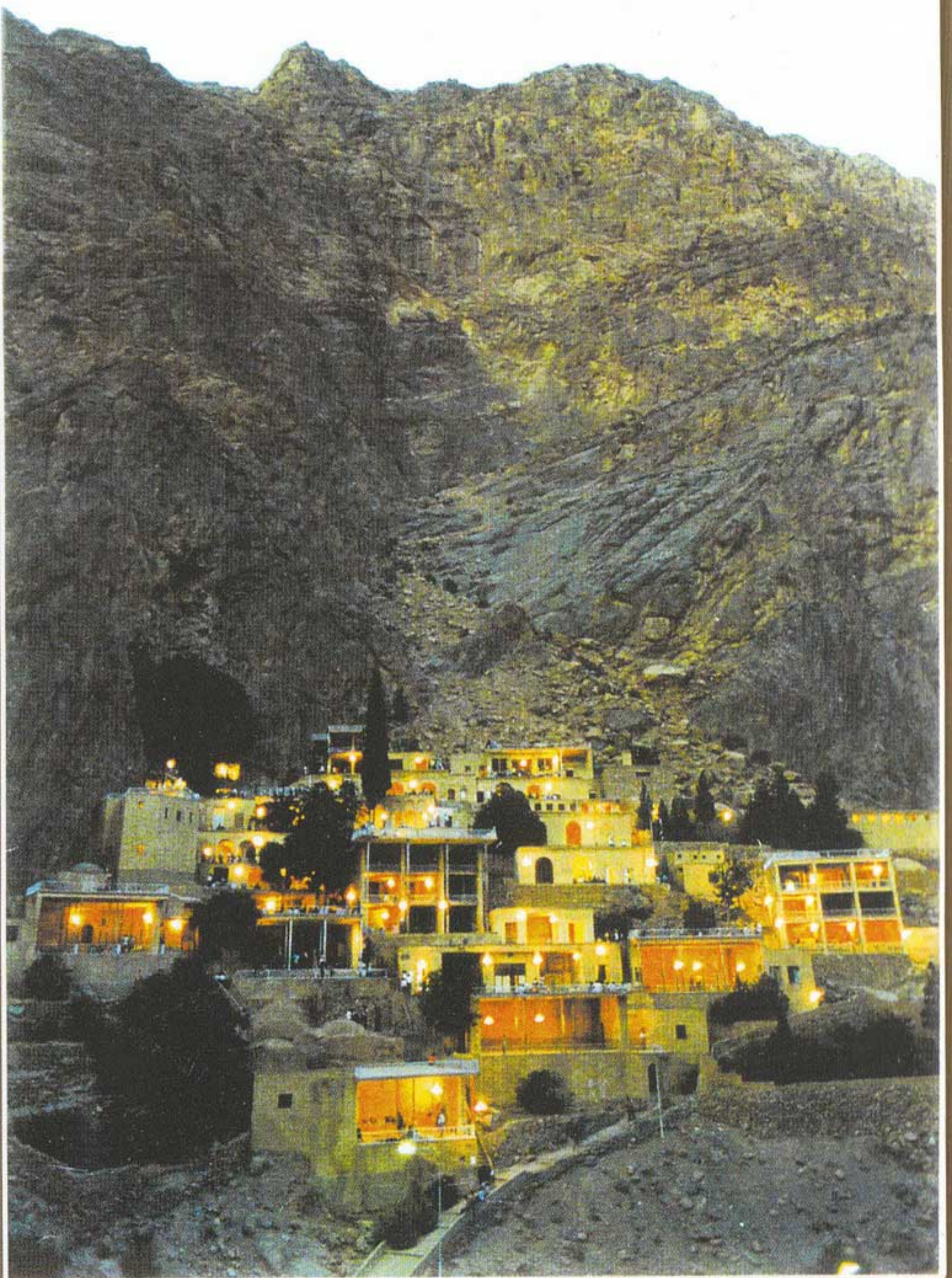
انجمن موبدان تهران. زمستان ۳۷۴۶ دینی

زرتشتی ۱۳۸۷ خورشیدی

گزیده ای از پیام اشو زرتشت

ای مزدا، تو را از راه اشویی نماز می برم و با هنر منش نیک به تو
نزدیک می شوم. یسنا ۲۸ بند ۱۰

نیک می دانم هیچ نیایشی نیست که از جان و دل بر آید و بی پاسخ
بماند. یسنا ۵۰ بند ۸



اندیشه نیک



راه یکی و آن راستی است

اشاره

برای هماهنگی در برپایی آیین ها و مراسم دینی و فرهنگی از سال ۱۲۹۴ خورشیدی در یزد، کنگره آتورنان به وجود آمد. به پیشنهاد زنده یاد کیخسرو شاهرخ به کنکاش موبدان تغییر نام داد. از جمله فعالیتهایی که این ارگان دینی انجام داد پاسخگویی به پرسشهای دینی، تاسیس مدرسه پسرانه موبدان (دینیاری) در سال ۱۲۹۵ خورشیدی که بعدها به صورت دبستان پسرانه دینیاری در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفت. موبد زادگان را برای تحصیل در فلسفه دین زرتشت به هندوستان اعزام کرد. در سال ۱۳۳۰ کنکاش موبدان تهران تاسیس گردید. در سال ۱۳۴۲ کنکاش موبدان یزد و تهران با یکدیگر ادغام شد. پیک کنکاش از آن زمان اخبار و آموزشهای دینی را منتشر ساخت هم اکنون یکی از وظایف انجمن موبدان سفارش آموزش های دینی از راه چاپ و پخش رساله، مجله و کتابهای دینی است.

انجمن موبدان تهران
تلفن: ۸۸۹۷۶۵۷۳

